

## بازنگری در امکان حسن شرعی احتیاط\*

□ سید محمد جواد سیدشیری<sup>۱</sup>

### چکیده

«احتیاط» یکی از احکام مربوط به حالت «شک در تکلیف» می‌باشد که اگرچه در بسیاری از موارد واجب نیست، ولی عقلاً در شایستگی آن تردیدی ندارند. ولی آیا این ترجیح احتیاط، از ناحیه شارع است و براین اساس می‌توانیم قائل به استحباب شرعی احتیاط شویم یا ترجیح به حکم عقل و سفارش‌های شارع به احتیاط، ارشاد به حکم عقلی است؟ هرچند بیشتر فقیهان با توجه به روایات فراوان، استحباب احتیاط را پذیرفته‌اند، ولی در مقابل برخی از آنان حسن شرعی احتیاط را با حسن عقلی آن سازگار ندانسته و ترجیح احتیاط توسط شارع را محال پنداشته‌اند. از این رو، با توجه به اثرگذاری فراوان رویکرد احتیاطی در سبک زندگی اسلامی و به دست آوردن قوانین شرعی و تفاوت‌های فراوان میان حسن عقلی و شرعی آن، در این نوشتار به تبیین و بررسی اشکالات حسن شرعی احتیاط و راهکارهای موجود برای آن پرداخته شده و با تأکید بر تبیین صورت مسأله، فرضیه‌ها و مبانی بحث که تاکنون کمتر مورد توجه محققین قرار گرفته، استحباب شرعی احتیاط به چالش کشیده شده است.

**واژگان کلیدی:** استحباب احتیاط، حسن عقلی، احتیاط مستحب، احتیاط شرعی، امر ارشادی، امر مولوی، امر طریقی.

## ۱. مقدمه

بدون تردید، فهم دقیق دستورات شرع مقدس اسلام و برداشت صحیح احکام مسائل گوناگون از منابع استنباط نزد امامیه - یعنی «عقل» و «کتاب» و «سنت» (ر.ک: صدر، ۱۴۰۳: ۹۸) - به تنقیح مبانی و تنظیم قواعد و ژرف‌اندیشی بسیار نیاز دارد که برعهده فقیهان می‌باشد. بر همین اساس، ایشان به تنظیم قواعد فقهی و اصولی فراوان برای جلوگیری از برداشت‌های سلیقه‌ای و تفسیرهای ناصواب پرداخته‌اند و در این مسیر، زحمات طاقت‌فرسایی را به جان خریده‌اند تا مذهب شیعه از کاستی‌ها، آسیب‌ها و انحرافات اساسی موجود در فقه مخالفین پیراسته شود.

اما، حقیقت آن است که اگر واقع‌گرایانه به تحلیل نتایج فقه‌ای در تاریخ فقه شیعه پردازیم، به هیچ عنوان نمی‌توانیم اختلاف دیدگاه‌های فراوان میان ژرف‌اندیشان عرصه فقه را نادیده بگیریم (ر.ک: انصاری، ۱۳۸۷: ۱). این تفاوت‌ها یکسان نیست؛ گاهی تفاوت در دریافت‌های قطعی و اطمینانی فقیهان است (ر.ک: سلیمانپور، ۱۳۸۳: ۹۹) و گاهی تفاوت در پندارهای ظنی و گمان‌های معتبرانگاشته نزد آنان می‌باشد (ر.ک: بهمن‌پوری، ۱۳۸۸: ۸۱-۱۰۵).

### ۱-۱. جایگاه‌شناسی احتیاط

فارغ از این گوناگونی - که گاهی ناشی از اعتباربخشی به برخی ظنون و گمان‌ها می‌باشد (ر.ک: سلیمانپور، ۱۳۸۳: ۱۰۰) - باید پرسید آیا فقیهان امامیه این برداشت‌های گوناگون (ر.ک: مهرورزیان، ۱۳۹۴: ۱۴۵ - ۱۵۲) و ظنی را به عنوان «حکم شرع» می‌پندارند؟

پاسخ این پرسش از جهتی مثبت و از جهتی منفی است؛ به این معنا که دانشجویان فقه دو انگاره از حکم شرع دارند: «حکم شرعی واقعی» و «حکم شرعی ظاهری»؛ آنجا که «تکلیف اصلی» و حکم همان پیش‌آمد را - بدون توجه به حالت خاصی - به دست می‌آورند، هرچند برداشتی منفرد یا گمانی ظنی باشد، حکم شرعی واقعی نامیده می‌شود، ولی آنجا که «وظیفه عملی»، «تکلیف ثانوی» یا «حکم در فرض شک» را به دست می‌آورند، آن را حکم ظاهری می‌نامند (بهبهانی، ۱۴۱۵: ۴۴۹؛ انصاری،

۱۴۲۸: ۹/۲). هرچند به دلیل قطعی و اجماعی ثابت شود. به این جهت، حکم شرعی واقعی در اصطلاح، ارتباطی با مطابقت یا عدم مطابقت با واقع ندارد و برداشتی خطاپذیر است.

بر پایه این نگاه، می‌توان به روشنی اعتراف کرد که گاهی حتی راه دستیابی فقیهان به احکام شرع - لزومی یا غیرلزومی - بسته است و حاصل تلاش آنان، جز تردید و شک، بدون هیچ پنداره قبلی<sup>۱</sup> نیست که بر همین اساس، نیاز به چاره‌ای برای برون رفت از این مشکل و تشخیص وظیفه فعلی در مقام عمل وجود دارد که این چاره، حکم ظاهری نامیده می‌شود و از دو فرض خارج نیست:

الف) «احتیاط» کردن و پرهیز از مخالفت احتمالی دستور واقعی مولا؛  
ب) ترک احتیاط و ارتکاب «مخالفت احتمالی».

اخباریان در «شبهات تحریمیه»، فرضیه اول را برگزیده‌اند (استرآبادی، ۱۴۲۹: ۲۷۹؛ بحرانی، ۱۴۳۰: ۶۵/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۹۲ و ۵۱۹) اما اصولیان با تمسک به «اصل برائت» (حکیم، ۱۴۱۳: ۳۷۲/۴؛ حائری، ۱۴۰۸: ۸۳/۳) و لزوم عسر و حرج شدید (خمینی، ۱۴۲۱: ۱۰۸)، فرضیه دوم را در همه شبهات صحیح انگاشته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۲۱۲؛ أنصاری، ۱۴۲۸: ۲۰/۲؛ بهسودی، ۱۴۲۲: ۲۹۴/۲-۲۹۶).<sup>۲</sup> جز در برخی موارد که به علت وجود «علم اجمالی» (عراقی، ۱۴۳۰: ۱۴۹/۲؛ کاظمی، ۱۳۷۶: ۳۳۰/۳) یا اهمّیت بسیار مسأله، احتیاط را لازم دانسته‌اند مانند مسائل مربوط به «دماء» (آردبیلی: ۸۸/۱۳؛ حاجی زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۵)، «فروج» (کرکی، ۱۴۰۹: ۲۳۷/۲؛ شاکری، ۱۳۹۵: ۳۱) و «أموال دیگران» (محقق حلی، ۱۳۸۹: ۴۸/۴؛ فخر المحققین، ۱۳۸۸: ۵۰۳/۲).

۱. این بیان، در صدد خارج کردن موضوع تخیر و استصحاب از محل بحث می‌باشد.

۲. ر.ک: بحرانی، ۱۴۲۳: ۱۶۰/۱-۱۸۲؛ حکیم، ۱۴۱۸: ۴۷۹/۱.

۳. ر.ک: علم هدی، ۱۳۷۶: ۳۳۳/۲؛ صدوق، ۱۴۱۴: ۱۱۴؛ شهید اول، ۱۴۰۰: ۱۳۲/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶:

۲۷۱؛ بهبهانی، ۱۴۱۵: ۲۴۱؛ بهبهانی، ۱۴۱۶: ۳۵۰؛ نراقی، ۱۲۹۶: ۲۴۲؛ قمی، ۱۴۳۰: ۴۰/۳ و ۴۷:

خوئی، ۱۴۳۰: ۲۸۸/۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۲۲۶/۳؛ و ص ۴۹۳؛ فضلی، ۱۴۲۴: ۱۸۱/۲.

## ۱-۲. فرضیه حسن احتیاط

ولی با این وجود، هیچ یک از اخباریان (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۴/۶۲ و ۱۳۷/۷۱: نوری، ۱۴۲۹: ۳۲۵/۱۷) و اصولیان (نراقی، ۱۴۲۲: ۱۱۳: بروجردی، ۱۴۲۲: ۲۵۸/۳: خمینی، ۱۴۲۱: ۴۵۷) در نیکویی و «حُسن احتیاط» تردید نکرده‌اند و همگی به حکم عقل (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۰۵: أنصاری، ۱۴۲۸: ۱۰۱/۲: خراسانی، ۱۴۳۰: ۳۴۹) یا اعتراف عقلا (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۲۳۱/۱: طباطبائی، ۱۲۹۶: ۱۳۰ و ص ۴۸۹)<sup>۲</sup>، حُسن احتیاط را - حتی در فرض جزم به عدم وجوب آن - پذیرفته‌اند، زیرا احتیاط نوعی «انقیاد» و فروتنی برای مولا است (قمی، ۱۳۷۱: ۲۰۴/۲: أنصاری، ۱۴۲۸: ۱۵۰/۲: سبحانی، ۱۴۱۴: ۴۲۰/۳)، از اسباب پاسداری از اهداف او شمرده می‌شود (صنغور، ۱۴۲۹: ۸۰/۱) و موجب جلوگیری از گرفتار شدن شخص به مفسد احتمالی تکلیف یا محروم شدن از مصالح واقعی آن می‌گردد (بروجردی، ۱۴۲۲: ۲۷۳/۳: خوئی، ۱۴۳۰: ۳۵۲/۳).<sup>۳</sup> این عمل، همیشه نزد خردمندان جامعه موجّه و اخلاقی محسوب می‌شود (حکیم، ۱۴۱۴: ۱۲۷/۴-۱۲۹) مگر در جایی که موجب محذوری مانند «اختلال نظام» (ایروانی، ۱۴۲۲: ۳۱۱/۲)<sup>۴</sup> یا غیر آن گردد (سبزواری، ۱۴۳۱: ۶۱۹/۱: عرفانیان، ۱۴۱۱: ۱۶۸: شیرازی، ۱۴۳۱: ۱۸۷: مبلّغی، ۱۴۳۰: ۲۰۰/۱: سبحانی، ۱۴۲۷: ۱۱۱/۲).<sup>۵</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

۱. ر.ک: قمی، ۱۴۳۰: ۲۰۱/۱ و ج ۴۳۵/۲: آشتیانی، ۱۴۳۰: ۱۹/۴: مبلّغی، ۱۴۳۰: ۲۰۰/۱.
۲. ر.ک: بهبهانی، ۱۴۱۵: ۴۴۶: طباطبائی، ۱۲۹۶: ۳۴۸: فشارکی، ۱۴۱۳: ۱۲۵: سبزواری، ۱۴۳۱: ۶۱۱/۱: کاظمی، ۱۳۷۶: ۳۹۸/۳: عراقی، ۱۴۳۰: ۲۰۳/۲: سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۴۷/۳: حکیم، ۱۴۲۸: ۲۱۳/۲: عرفانیان، ۱۴۱۱: ۱۶۸: صدر، ۱۴۰۵: ۱۵۵/۳: شیرازی، ۱۴۳۱: ۱۸۷: خمینی، ۱۴۱۸: ۲۲۳/۷: یزدی نجفی، ۱۴۲۷: ۱۶۱/۲: نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱/۳.
۳. ر.ک: رشتی، ۱۳۱۳: ۲۲۲: خمینی، ۱۴۱۰: ۱۴۱: خوئی، ۱۴۳۰: ۳۵۲/۳: حسینی، ۱۳۸۲: «ف»: ۱۱.
۴. ر.ک: عراقی، ۱۴۳۰: ۲۰۴/۲: هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۲۹۶/۳.
۵. ر.ک: أنصاری، ۱۴۲۸: ۱۳۷/۲: خراسانی، ۱۴۳۰: ۳۵۴.
۶. ر.ک: رحمانی، ۱۳۸۹: ۷۳: حسینی، ۱۳۸۲: «ف»: ۳۵.

### ۱-۳. چارچوب نظری مسأله

۱۲۱

نوشتار حاضر، در صدد پرداختن به واقعیات موجود در این رویکرد مشترک - یعنی شایسته‌انگاری احتیاط نزد عقلا - یا بازخوانی علل آن نیست. همچنان که هدف نگارنده، یافتن راهکار و مبنای صحیح در برخورد با پرسش‌های بدون پاسخ فقهی و مقایسه «احتیاط» با «برائت»، عهده‌دار شدن تحلیل عوامل دیدگاه‌های مختلف فقیهان، چگونگی سازگاری حکم واقعی و ظاهری نزد آنان و در نهایت، بررسی پیامدهای اعتباربخشی به ظن و گمان نیز نیست - که هر کدام می‌تواند موضوع یک پژوهش یا تحقیقی علمی باشد - بلکه تنها هدف، پاسخ به این پرسش است که آیا دستور شرع هم می‌تواند یکی از علل حُسن احتیاط باشد؛ به تعبیر دقیق‌تر، آیا «احتیاط غیر الزامی» افزوده بر حُسن عقلی، از حُسن شرعی هم بهره‌مند است؟

### ۱-۴. دیدگاه‌ها در «حُسن احتیاط»

بیشتر فقیهان در پاسخ به این پرسش، حُسن شرعی «احتیاط» را پذیرفته‌اند (کاظمی، ۱۳۷۶: ۳/۳۹۹)<sup>۱</sup> و به روایات فراوانی (حر عاملی، ۱۴۲۹: ۸۰/۱ و ۱۷۶/۴ و ۱۵۴/۲۷ - ۱۷۵) که دلالت روشن بر مدح احتیاط یا امر به آن دارد، تمسک جسته‌اند و حتی نسبت به آن ادعای اجماع نیز شده است (نراقی، ۱۳۷۵: ۳۸۷ و ص ۵۰۰). ولی برخی در مقابل، گاهی حُسن شرعی را - به جهت اشکال در امکان حسن شرعی برای احتیاط (بروجردی، ۱۴۲۲: ۲۵۹/۳) یا اشکال در اثبات حسن شرعی و برداشت آن از ادله مطرح شده (قمی، ۱۳۷۱: ۲۰۴/۲: اُسدی، ۱۳۸۳: ۴۵) - برای مطلق احتیاط نپذیرفته‌اند و گاهی آن را برای خصوص «احتیاط در عبادات» قابل پذیرش ندانسته‌اند، به این جهت که موضوع احتیاط شرعی در آن محقق نمی‌شود، همیشه (کاظمی، ۱۳۷۶: ۳/۴۰۰؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۷/۱؛ سیدشیرازی، ۱۳۹۶: ۵۰) یا مواردی که موجب تکرار در عبادت شود (یزدی، ۱۴۰۹: ۹۸/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۷: ۱۰۴/۱: کاظمی، ۱۳۷۶: ۷۲/۳؛ یزدی، ۱۴۱۹: ۱۴/۱).

۱. ر.ک: تونی، ۱۴۱۵: ۱۹۳؛ حائری اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۰۵؛ بهبهانی، ۱۴۱۵: ۲۴۹؛ کاشف غطاء، ۱۴۲۲: ۲۳۱/۱: قمی، ۱۴۳۰: ۳/۶۰؛ بحرانی، ۱۴۳۰: ۶۸/۱؛ أنصاری، ۱۴۲۸: ۱۰۱/۲؛ سبزواری، ۱۴۳۱: ۶۱۱/۱؛ حکیم، ۱۴۱۴: ۱۳۲/۴؛ بروجردی، ۱۴۳۳: ۴۳۸/۱-۴۵۹؛ قیاض، ۱۴۳۰: ۴۱۷/۹-۴۱۸.  
۲. ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/۲۲۳ و ۲۵۸-۲۶۱؛ نوری، ۱۴۲۹: ۱۷/۳۲۱.

## ۱-۵. بیان مسأله

مسأله اصلی این مقاله، بحث ثبوتی از امکان حُسن شرعی و «استحباب احتیاط» (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۱/۲۹۶) می‌باشد. بنابراین، بحث از موارد وجوب احتیاط مانند «شبهه محصوره» نزد اصولیان و «شبهه تحریمیه» نزد اخباریان، یا اثبات استحباب احتیاط و برداشت آن از نصوص یا امکان تحقق احتیاط شرعی در عبادات مطرح نیست.

## ۱-۶. پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا اصولیان، پس از انکار اخباریان در وجوب شرعی احتیاط، استحباب احتیاط را پذیرفته‌اند و در اصل مطلوب شرعی بودن احتیاط با آنان هم‌نظر هستند و یا یکسره حُسن شرعی احتیاط را نپذیرفته و روایاتی که بر احتیاط امر کرده را، مانند آیه شریفه «أطیعوا الله» (آل عمران/۳۲)، ارشادی دانسته‌اند؟ در همین راستا می‌توان پرسش‌های زیر را مطرح نمود:

۱. آیا حسن شرعی احتیاط غیر الزامی، ممکن است؟
۲. آیا تعبیر به «احتیاط مستحب»، صحیح است؟
۳. اوامر شرعی به احتیاط، مولوی است یا ارشادی؟
۴. حسن عقلی احتیاط با حسن شرعی آن، سازگار است؟
۵. اصولیان پس از انکار وجوب احتیاط، چه برداشتی از سفارشات شارع به احتیاط داشته‌اند؟

## ۱-۷. اهمیت مسأله

روشن است که نسبت دادن احتیاط به عنوان دستوری ترجیحی به شارع و بیان آن به عنوان یکی از قانون‌های شریعت، به دلیلی قابل دفاع نیاز دارد، ولی اهمیت بحث وقتی دو چندان می‌شود که بدانیم مدار زندگی مسلمانان بر اساس احکام فقهی ریخته شده و در شریعت اسلام، دستورات عملی بسیاری با توجه به جوانب مختلف زندگی - از احکام الزامی یا آداب اسلامی - وجود دارد که در جامعه و نظام اسلامی دخالت

مستقیم دارد و تأثیرگذاری رویکرد احتیاطی یا خلاف آن در استنباط احکام شرعی و تطبیق و عمل به یافته‌های فقهی بسیار فراوان است (ر.ک: نادری، ۱۳۹۲: ۸۵؛ نوو اگلیز، ۱۳۸۸: ۱۲۱؛ حسینی، ۱۳۸۲: «الف»: ۱۱۱).

افزون بر اینکه این پرسشی بنیادین است، زیرا به فعل خاص یا بخش خاصی از مباحث فقهی اختصاص ندارد و شامل بسیاری از مسائل پراهمیت و پرکاربرد برای افراد و یا گروه‌ها و اجتماعات می‌شود (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۲: ۴۶).

همچنین ناگفته پیداست که استحبابی بودن و الزامی نبودن این احتیاط، با توجه به گستره موارد آن و اهتمام و پیش‌گامی بسیاری از افراد به رعایت اهداف شارع - هرچند دستورات غیر الزامی باشد - نمی‌تواند از اهمیت و تأثیر آن بکاهد، همچنان که این روش در رفتار عملی دین‌داران، توانایی پدید آوردن روحیه‌ای متفاوت و پی‌ریزی («سبک زندگی») متمایز را که بر اساس هنجارهای احتیاطانه ساخته شده باشد، به خوبی دارا است.

### ۱-۸. پیشینه تاریخی بحث

در بیشتر کتاب‌های دانش «اصول» یا «فقه»، امکان استحباب شرعی احتیاط و سازگاری آن با حُسن عقلی، گزاره‌ای روشن پنداشته شده است (أنصاری، ۱۴۲۸: ۱۰۱/۲ و ص ۱۵۰؛ خراسانی، ۱۴۳۰: ۳۴۹؛ ایروانی، ۱۴۲۲: ۳۱۱/۲؛ خمینی، ۱۴۱۸: ۲۲۲/۷) تا جایی که برخی، برای اثبات استحباب شرعی آن از قاعده «ملازمه میان حکم عقل و شرع» استفاده کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۶: ۳۴۸). مرحوم آقاضیاء عراقی ظاهراً اولین کسی است که به تردید، در امکان حُسن شرعی احتیاط اشاره کرده است (بروجردی، ۱۴۲۲: ۲۵۹/۳؛ عراقی، ۱۴۳۰: ۲۰۴/۲) که البته این تردید، مورد قبول دیگر عالمان اصولی واقع نشده است (اصفهانی، ۱۴۲۹: ۱۶۴/۴؛ بهسودی، ۱۴۲۲: ۳۶۶/۲). در مجموع - پس از جستجوی قابل ملاحظه - می‌توان گفت شخصی به‌طور تفصیلی یا جداگانه، در کتاب یا حتی مقاله‌ای، به این بحث نپرداخته است.

۱. ر.ک: طهرانی، ۱۴۲۸: ۳/۳۴۷؛ روزدری، ۱۴۰۹: ۴/۱۲۱؛ ایروانی، ۱۳۸۸: ۳/۵۸؛ خمینی، ۱۴۱۵: ۲/۱۲۵؛ سبحانی، ۱۳۸۲: ۳/۱۴۷؛ حائری یزدی، ۱۴۳۱: ۴۲۶-۴۵۱؛ حکیم، ۱۴۱۳: ۴/۵۱۳.

## ۱-۹. روش پژوهش

نوشتار پیش‌رو تلاشی است که به پشتوانه مطالعات و مباحثاتی که نگارنده پیشتر انجام داده است و با روش توصیفی-تحلیلی استنباطی، به بررسی این موضوع می‌پردازد و با توجه به قواعد و اصطلاحات اصولی و دقت در کلمات مرتبط در کتب عالمان شیعی، منظومه‌ای سامان‌یافته از بحث ارائه می‌دهد.

## ۲. مفهوم‌شناسی اصطلاحات

در موضوع بحث این نوشتار، سه اصطلاح «امکان»، «احتیاط» و «حُسن شرعی» وجود دارد که مناسب است پیش از تبیین استدلال هر طرف، به مفهوم‌شناسی آنها اشاره شود. البته روشن است منظور از امکان، «امکان وقوعی» (مؤمن، ۱۴۲۰: ۱/۱۶۸) است - یعنی تصوّر وقوع آن بدون اشکال شود و علاوه بر اینکه ذات وجود آن محال نباشد، امر محال دیگری را نیز دربرنگیرد (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۶۳) - و نیاز به توضیح بیشتر ندارد. در ادامه، تنها به شرح دو اصطلاح دیگر می‌پردازیم که ارتباط عمیقی با موضوع دارند و تبیین آنها در ارائه بحث اثرگذار می‌باشد.

### ۲-۱. مفهوم‌شناسی «احتیاط»

«احتیاط» در لغت به معنای مواظبت کردن، محافظت کردن و جلوگیری از پیش آمد نامناسب و نامطلوب، یا به معنای مطمئن‌ترین انتخاب و عمل پیشگیرانه است (فیومی، ۱۴۰۵: ۱۵۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۲/۵۲۵) و از این رو گفته شده:

«إحتاط الرجل، أی أخذ فی أموره بالأحزم» (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳/۳۹۵).

اما در اصطلاح به معنای «جلوگیری از مخالفت حکم واقعی، به وسیله رعایت تمام احتمالات» می‌باشد (بحرانی، ۱۴۳۰: ۱/۶۸؛ سنقور، ۱۴۲۹: ۱/۷۴).

### ۲-۲. گوناگونی «احتیاط» و نتایج آن

انگیزه شخص از احتیاط می‌تواند دو چیز باشد: الف) صرف رسیدن به مصلحتی در واقع و یا جلوگیری از بروز مفسده‌ای محتمل (قمی، ۱۳۷۱: ۲/۲۰۴؛ ربانی، ۱۴۳۵: ۴۷۵؛

دائرة المعارف، ۱۴۲۸: ۱۶۲/۶؛ ب) رعایت امر احتمالی مولا و قصد تقرّب به او، به این معنا که این عمل شخص بر انگیزه از قصدی الهی است و فرد به دنبال آثار دنیوی یا تکوینی عمل نیست (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۰۵؛ لاری، ۱۴۱۸: ۳۲۱/۲؛ عراقی، ۱۴۳۰: ۲۰۳/۲؛ بروجردی، ۱۴۲۲: ۲۵۹/۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۲۹۸/۳).

بر اساس این نگاه برای احتیاط، دو گونه مختلف تصوّر می‌شود، هر چند در هر دو صورت، این محافظه کاری موجب تحقّق یقینی مورد احتیاط می‌باشد، ولی حاصل این اختلاف رویکرد در انجام احتیاط، در سه گزاره قابل ملاحظه است: الف) «امکان تحقّق احتیاط در عبادات»؛ ب) «حکم عقل به حسن احتیاط»؛ ج) «حکم شرع به حسن احتیاط».

گستره این نگاه گوناگون به احتیاط، بر هر سه گزاره اثرگذار است، با این توضیح که در گزاره اول، شرط تحقّق عبادات، «قصد تقرّب به معبود» است و در تحقّق قصد، رسیدن به مصلحت حقیقی فعل یا حقیقت مطلوب احتمالی مولا بدون انگیزه مرتبط با دستور وی، کافی نمی‌باشد. اما در مورد گزاره دوم، معیار و ملاک «حسن احتیاط» نزد عقل، صدق «انقیاد» بر آن می‌باشد - به این معنا که نوعی گرنش و فروتنی در برابر مولا محسوب می‌شود و از این جهت قابل ستودن است - (عراقی، ۱۴۳۰: ۲۰۳/۲؛ فیاض، ۱۴۳۰: ۴۱۷/۹).<sup>۱</sup> شاید بتوانیم از کلام مرحوم آخوند خراسانی (خراسانی، ۱۴۳۰: ۳۴۹) هم چنین برداشت کنیم که عقل فقط هنگامی حکم به احتیاط می‌کند و عمل محتاطانه فرد را سزاوار تحسین و تشویق می‌داند که فرد به دنبال تحصیل غرض مولا - حتی به تحصیل اوامر احتمالی اش - باشد، در غیر این صورت اگر به دنبال حقیقت پنهانی واقع بوده باشد - با نرسیدن به واقع یا حتی رسیدن به آن - هیچ منتهی بر کسی ندارد و فقط جزای او این است که از مهلکه احتمالی نجات یافته و به منافع احتمالی برسد.

اما بازگشت گزاره سوم به معنای دوم از احتیاط، با ضمیمه ساختن این مقدمه به توضیحات پیشین روشن می‌شود که ظاهر از عنوان «احتیاط» در ادله شرعی و کلمات فقیهان و اصولیان، همان معنای دوم - که موضوع «حُسن عقلی» هم بود - می‌باشد.

۱. ر.ک: بروجردی، ۱۴۲۲: ۲۶۰/۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۳۰۰/۳.

شاهد آن است که همگان اتفاق نظر دارند موضوع «حُسن شرعی احتیاط» پیوسته در چارچوب «حُسن عقلی احتیاط» قرار می‌گیرد. پس به عبارت دیگر، از این همانی موضوع حُسن شرعی و عقلی احتیاط، می‌فهمیم که موضوع روایات و ادله شرعی درباره احتیاط - به معنای دومی که از آن بیان کردیم - می‌باشد (یزدی نجفی، ۱۴۲۷: ۱۶۱/۲؛ روزری، ۱۴۰۹: ۱۲۱/۴؛ آشتیانی، ۱۴۳۰: ۱۹/۴).

## ۲-۳. مفهوم‌شناسی «حسن شرعی»

«الحسن» از جهت لغوی، در اصل به زیبایی یا صورت زیبا اطلاق شده و به همین مناسبت در معنای کردار و اخلاق پسندیده و عمل خوب استعمال شده است (عسکری، ۱۴۳۳: ۱۶۶؛ معلوف، ۱۳۸۸: ۱۳۴)، ولی «حُسن شرعی» در اصطلاح، عمل مورد سفارش شارع است که مرتکب آن نزد عقلا شایسته مدح، ستودن و تشویق شارع باشد (حسینی، ۱۴۲۷: ۱۴۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۳۰۳/۳).

## ۲-۴. گوناگونی «امر شرعی به احتیاط»

گفتیم اگر شارع به فعلی دستور بدهد، موضوع «حُسن شرعی» محقق می‌شود، ولی دستور شارع به احتیاط، چهارگونه تحقق می‌یابد، زیرا امر شارع می‌تواند «مولوی» یا «ارشادی» باشد، همانطور که امر مولوی نیز می‌تواند «نفسی» یا «طریقی» باشد، همچنان که امر ارشادی گاهی «ارشاد به حکم عقل» است (ر.ک: حیدری، ۱۴۳۴: ۱۹۱/۳؛ دائرة المعارف، ۱۴۲۹: ۲۲۸/۱۱) و گاهی «ارشاد به محافظت مصالح واقعی یا پیشگیری از مفسد واقعی» (بروجردی، ۱۴۲۲: ۲۵۸/۳) می‌باشد.

## ۲-۵. تبیین انواع امر به «احتیاط» و پیامدهای آن

حالات چهارگانه‌ای را که در امر شارع به احتیاط تصوّر می‌شود، می‌توان با بیان زیر تبیین نمود:

اگر در احتیاط، مصلحتی ذاتی باشد - یعنی همین عنوان «انجام فعل مشکوک‌الوجوب» یا «ترک فعل مشکوک‌الحرمه» مانند عنوان «احترام پدر و مادر»

مصلحتی داشته باشد که موجب امر شارع به آن باشد و مصلحت یا مفسده واقعی مشکوک در متعلق احتیاط، در آن دخالت نداشته باشد - احتیاط، «استحباب نفسی» دارد و امر به آن مولوی و نفسی خواهد بود. در این صورت، شخص محتاط از این جهت همیشه مطیع امر واقعی مولا به احتیاط می‌باشد، قطع نظر از این که به حکم مشکوک مولا برسد یا نرسد، از این رو رسیدن به حکم واقع می‌تواند در انگیزه او هیچ جایگاهی نداشته باشد (ر.ک: هاشمی، ۱۴۳۳: ۵۷۱/۲).

اما اگر در احتیاط، مصلحتی ذاتی وجود نداشته نباشد، بلکه از این جهت که مسیری مناسب برای رسیدن به حکم واقعی مولا و محافظت بر اغراض او در هنگام شک به دستورات وی است، مورد توجه قرار گرفته و شارع به آن امر کرده باشد، احتیاط، «استحباب طریقی» دارد و امر به آن، مولوی طریقی خواهد بود (ر.ک: آشتیانی، ۱۴۳۰: ۲۰/۴-۲۳).

پس انگیزه شخص مکلف در احتیاط، باید رسیدن به حکم واقع باشد، زیرا همانند «طرق و امارات»، در عنوان «احتیاط» مصلحتی نیست، بلکه معیار همه آن چیزی است که در فعل «مشکوک‌الحکم» می‌باشد، پس اگر در واقع این حکم را داشته است، شخص محتاط در واقع مطیع بوده و مستحق ثواب اهل اطاعت است و اگر در واقع چنین حکمی نبوده، شخص محتاط، انقیاد کرده و مستحق پاداش اهل انقیاد است.

همچنین، اگر غرض شارع از امر به احتیاط، جعل وجوب یا استحباب نبوده، بلکه تنها راهنمایی مکلف به حکم عقل به حسن و نیکویی احتیاط و انقیاد و تذکر به عموم مردم درباره این دستور عقلی مد نظر باشد، امر به احتیاط، ارشاد به حکم عقل می‌شود (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۳۰۶/۱؛ خوئی، ۱۳۹۱: ۱۰۴) و شخص محتاط به حکم عقل، در فرض مطابقت کارش با واقع شایسته پاداش است، در غیر این صورت، حکم «انقیاد» را دارد. ولی اگر غرض شارع از امر به احتیاط، بیان رجحان شرعی یا عقلی آن و افزودن انگیزه مکلف در انجام آن نبوده، بلکه تنها یادآوری وجود مصلحت و مفسده واقعی و تذکر به آن باشد، از نوع چهارم امر به احتیاط خواهد بود (خوئی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). این نوع احتیاط همانند دستور پزشک است، یعنی تنها انگیزه آن تعلیم چیزی

است که برای مریض نفع یا ضرر دارد، نه دستور مولوی به مریض یا ارشادی به حکم عقل وی.

پس این نوع از امر، اصلاً در چارچوب ارشاد به حکم عقل عملی به حُسن و قبح یا حتی بیان ترجیح و خواستن کاری از شخص قرار نمی‌گیرد، بلکه همانند جمله‌ای خبری می‌باشد. اگر دکتر می‌گوید از نوشابه پرهیز کن، یعنی نوشابه برای شما ضرر دارد، وگرنه نوشابه خوردن یا نخوردن برای پزشک فرقی ندارد و بر فرض مصرف نوشابه نیز، هیچ مخالفتی با پزشک صورت نگرفته است. در واقع، اصلاً این عنوان «مخالفت با پزشک» هیچ‌گونه ملاک و معیاری ندارد. از این‌رو، اگر تشخیص وی اشتباه بوده و مریض مخالفت کرده باشد، هیچ اثری بر موافقت یا مخالفت وی بار نمی‌شود، به خلاف فرض سوم از امر به احتیاط که همیشه - حتی در صورت نرسیدن به واقع - می‌تواند موجب استحقاق ثواب محتاط باشد، زیرا به حکم عقل، انقیاد و در حکم اطاعت است.

## ۲-۶. ارتباط مبنایی بین مفهوم‌شناسی احتیاط و فرضیه‌های قبل

گوناگونی فرضیه‌ها در «امر به احتیاط» و اینکه ارشادی بودن فرض دوم در اوامر احتیاط به معنای فقدان مولویت بود، نه فقدان حُسن عقلی و رجحان، به گوناگونی معنای خود «احتیاط» - که بیشتر اشاره شد - بازگشت دارد چه اینکه - در فرض ارشادی بودن امر به احتیاط - معنای اول از احتیاط تنها می‌تواند متعلق به نوع چهارم از امر به احتیاط بوده (بروجردی، ۱۴۲۲: ۲۵۹/۳) و معنای دوم از احتیاط تنها می‌تواند به نوع سوم از امر به احتیاط متعلق باشد، زیرا معیار در صدق احتیاط به معنای اول، صرف انجام «مشکوک‌الوجوب» یا ترک «مشکوک‌الحرمة» بدون انگیزه‌ای الهی یا غرض رسیدن به ملاک واقعی است که ملازمه‌ای با صدق انقیاد ندارد و عقل به حُسن آن حکم نمی‌کند. از این‌رو، معنای سوم، یعنی ارشاد به حُسن عقلی در آن تصور نمی‌شود.

در مقابل احتیاط به معنای دوم، که رعایت حکم مشکوک به جهت احتمال تکلیف واقعی و انگیزه الهی می‌باشد، نوعی انقیاد برای مولا است و عقل به شایستگی آن

حکم می کند و نمی تواند حُسن آن را نادیده بگیرد. از این رو، امر شارع به احتیاط به معنای دوم اگر ارشادی باشد، ارشاد به حکم عقل است.

### ۳. جایگاه موضوع پژوهش و مبانی نظری آن

موضوع نوشتار حاضر - یعنی حُسن شرعی احتیاط - و اشکالی نیز که نسبت به آن مطرح شده است، بر مبانی معنای دوم از احتیاط می باشد، یعنی احتیاط به انگیزه الهی نمی تواند متعلق امر مولوی نفسی یا امر مولوی طریقی قرار بگیرد و گرنه هر دو صورت مطرح شده برای امر مولوی به احتیاط می تواند به احتیاط به معنای اول تعلق بگیرد، زیرا عقل، تا نیازی به حُسن شرعی نباشد و امر مولوی مولا به آن بی فایده نگردد، به حُسن آن حکم نمی کند.

با توجه به آنچه گذشت، موضوع بحث در این نوشتار، بررسی امکان امر مولوی طریقی به «احتیاط با انگیزه الهی و هدف رسیدن به ملاک واقعی مولا» می باشد، هرچند برخی معاصرین محل نزاع را متفاوت انگاشته اند.

### تقریر دیگر در موضوع مسأله

مرحوم سید محمود هاشمی، «امر شرعی به ملاک حسن عقلی» را فرض دیگری از مولوی بودن امر به احتیاط تصور کرده و آن را در مقابل امر مولوی نفسی و طریقی قرار داده است. ایشان می فرماید:

«اشکال محقق نائینی به تصویری از امر مولوی است که در سلسله معلولات احکام شرعی باشد» (هاشمی، ۱۴۳۳: ۲/۵۷۱-۵۷۲).

البته با توضیحاتی که بیشتر بیان شد و با توجه به اینکه امر مولوی طریقی به احتیاط نیز به ملاک طریقت و رساندن مکلف به مطلوب واقعی مولا می باشد، دیگر تفاوتی میان آن و نوع دیگری که ایشان اشاره فرمود، وجود نخواهد داشت، زیرا حُسن عقلی نیز تنها به ملاک طریقت است و امر مولوی به ملاک حُسن عقلی هم، یعنی به همان ملاک طریقت و فرض دیگری نمی باشد.

#### ۴. بیان اشکالات حسن شرعی احتیاط

در بیان اشکالات، ابتدا کلام مرحوم عراقی - که شاید تنها مدافع استحاله «حسن شرعی احتیاط» باشد - مطرح می‌شود و بعد با توجه به کلام مرحوم نائینی و دیگران، به بیان و بررسی اشکالات پرداخته می‌شود. مرحوم آقاضیاء عراقی می‌نویسد:

امر مولوی به حسن و استحباب شرعی احتیاط ممکن نیست، زیرا عنوان احتیاط همانند اطاعت در «سلسله معلولات احکام شرعی» و در طول خطاب‌های شارع و پس از آنها است، پس چگونه می‌تواند موضوع برای حکم شرع و مقدم بر آن قرار گیرد؟ (بروجردی، ۱۴۲۲: ۲۵۹/۳؛ عراقی، ۱۴۳۰: ۲۰۴/۲ - ۲۰۵)

هر چند به صورت مستقل، اشکالاتی درباره این مسأله مطرح نشده است، ولی در مجموع اگر کلام مرحوم نائینی (خویی، ۱۴۳۰: ۳۵۴/۳؛ کاظمی، ۱۳۷۶: ۳۹۹/۳) را هم در بیان اشکال ملاحظه کنیم، می‌توان سه تقریر برای استحاله حسن شرعی احتیاط و ناسازگاری استحباب احتیاط با حسن عقلی آن بیان کرد:

#### ۴-۱. تقریر اول: لزوم خُلف

توضیح اینکه احکام عقلی در مقایسه با احکام شرعی، می‌توانند دو حالت داشته باشند، زیرا حکم عقل یا در رتبه علّت برای حکم شرع و پیش از آن می‌باشد و یا در رتبه معلول برای حکم شرعی و پس از آن خواهد بود، مانند حکم عقل درباره امتثال حکم شارع.

حالت اول مانند حکم عقل به حسن و شایستگی عدل و قبح و ناپسندی ظلم می‌باشد که پیش از توجه به حکم شرع نیز بیان شده است. در همین مقام، قاعده «کَلِمَا حَكَمَ بِه الْعَقْلُ، حَكَمَ بِه الشَّرْعُ»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود و به این معناست که عقل به حسن هر عملی حکم کند، از نظر شارع نیز شایسته و مطلوب است.

ولی حالت دوم چنین نیست و نمی‌توانیم از حکم عقل به حسن فعل، حسن شرعی آن را نیز برداشت کنیم، زیرا برخلاف فرضیه، تأخر این حکم عقلی از احکام شرعی است و موجب می‌شود که حکم شرعی استفاده شده از این حکم عقلی، از این حکم عقلی متأخر باشد.

۱. ر.ک: مکارم، ۱۴۲۸: ۴۵۹/۲؛ بدری، ۱۴۲۸: ۲۲۲.

#### ۴-۲. تقریر دوم: لزوم تسلسل

همچنین، اگر قرار باشد حکم عقلی در سلسله معلولات احکام شرعی نیز مستلزم حکم شرعی باشد، تسلسل پیش می‌آید، زیرا عقل پیوسته درباره حکم شرع حکم می‌کند و این حکم عقل نیز همیشه موجب حکم شرعی جدیدی در فرض است. مثلاً اگر شارع به زیارت امام حسین علیه السلام امر می‌کند، عقل هم بعد از این حکم، به لزوم اطاعت از آن دستور می‌دهد و باز این حکم عقل از حکم شرعی دیگری کشف می‌کند که آن هم موضوع حکم عقلی جدیدی قرار می‌گیرد و این زنجیره ادامه یافته و نهایتی برای آن معلوم نیست.

وضیعت در مقام هم، این گونه است که مثلاً شارع، گوش دادن به موسیقی لهوی را حرام اعلام می‌کند و در فرض شک در تحقق موسیقی لهوی، عقل به جهت رعایت ملاک احتمالی مولا و محافظت بر اهداف او، به شایستگی احتیاط و ترک استماع حکم می‌کند و بعد، باز شارع رعایت این حکم عقلی را بخواهد و حسن شرعی برای احتیاط جعل کند.

#### ۴-۳. تقریر سوم: بی فائده بودن حسن شرعی احتیاط

توضیح اینکه، جعل حکم شرعی در طول یک حکم شرعی دیگر، هنگامی که برای همانند آن تحریک شده باشد، بی فایده است، زیرا اگر قرار بود مکلف با این نوع و درجه از تحریک، انگیزه عمل پیدا کند، همان جعل حکم اول کافی بود، پس اگر نیاز به انگیزه‌افزایی است، باید جعل دوم مولا، حکمی شدیدتر و دستوری مهم‌تر باشد؛ به‌عنوان مثال اگر دستور اول استحبابی بوده، حکم جدید وجوبی باشد.

به همین جهت دستوراتی مانند ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ﴾ (آل عمران/۳۲) حمل بر ارشاد می‌شود و جعل حکم مولوی جدیدی محسوب نمی‌شود، زیرا اگر قرار بود حکم مولا باعث برانگیختن مکلف باشد، همان دستور او به پرهیز از «غیبت مؤمن» کافی بود. بنابراین اگر مکلف تأثیر نپذیرفت و اثر مورد نظر حاصل نشد، حکم جدید به لزوم اطاعت هم دستاوردی نخواهد داشت.

دستوراتی نیز که نسبت به احتیاط در شرع وجود دارد از این قبیل است، یعنی اگر

امری الزامی باشد که افزوده بر حُسن عقلی است، جعل آن توسط شارع باعث انگیزه‌افزایی و تحریک بیشتر مکلفین است، ولی اگر فرض اصولیان، استحباب احتیاط و عدم وجوب آن در بسیاری از موارد می‌باشد، این حُسن شرعی و امر استحبابی کارآمد نبوده و بیهوده است.

به عبارت دیگر، اگر هدف شارع از امر به احتیاط استحباب آن باشد، تأثیری برای آن وجود ندارد و مجرّد احتمال تکلیف واقعی مولا و حکم عقل به شایستگی پیگیری آن کافی بوده است. اما اگر هدف شارع الزام آن باشد، هرچند معقول است، ولی خلاف مبنای اصولیان در بیشتر موارد و حتی مبنای اخباری‌ها در بسیاری از شبهات خواهد بود، زیرا مشهور اخباری‌ها نیز در غیر «شبهه تحریمیه» یا «شبهه محصوره»، احتیاط را لازم نمی‌دانند.

البته، لازم به تذکر است این تقریر سوم که در بعضی تقریرات شهید سیدمحمدباقر صدر بیان شده است (عبد الساتر، ۱۴۱۷: ۳۶۵/۱۱)، با چارچوب کلام مرحوم نائینی ناسازگار است، زیرا ایشان به صورت مطلق، امر مولوی به احتیاط را - حتی اگر الزامی باشد - قبول نمی‌کند. در نگاه محقق نائینی، ملاک اشکال در مولویت امر به احتیاط این است که در طول خطاب شرعی قرار گرفته است و وظیفه پاسداری از خطاب شرعی بر عهده عقل است، پس مثلاً در شبهات قبل از فحص، عقل به لزوم احتیاط حکم می‌کند - مگر اینکه ترخیصی از جانب شارع بیاید و رعایت این تکلیف احتمالی را لازم نداند - پس اگر ترخیص شارع نباشد، عقل احتیاط را می‌فهمد و نیازی به جعل شرعی الزامی یا ترجیحی برای احتیاط نیست، بلکه ترخیص، نیازمند جعل می‌باشد که تعلیقی بودن حکم عقل به همین معنا است.

## ۵. تصحیح امر مولوی به احتیاط

در مقابل اشکالات پیشین، راهکارهایی توسط اصولیان بیان شده که همگی مربوط به بعد از عصر آخوند خراسانی می‌باشد (اصفهانی، ۱۴۲۹: ۱۶۴/۴؛ بهسودی، ۱۴۲۲: ۳۶۶/۲؛ تبریزی، ۱۳۸۷: ۳۲۵/۴؛ هاشمی، ۱۴۳۱: ۱۱۸/۵). نخستین توجیه، توسط مرحوم نائینی انجام

شده است که گویا در چارچوب مسأله نیست و پس از ایشان نیز، توجیهاتی انجام شده که با کاستی‌ها و مناقشاتی همراه می‌باشد.<sup>۱</sup>

### ۵-۱. توجیه محقق نائینی: تعدّد ملاک

مرحوم نائینی، توجیه مولویت امر به احتیاط را بر اساس «تعدّد ملاک» حکم شرع از حکم عقل بیان کرده و می‌فرماید:

«با توجه به اینکه تعدد احکام به معیار تعدّد ملاک‌ها می‌باشد،<sup>۲</sup> اگر ملاک حکم عقل به حسن احتیاط، شایستگی فعل احتیاط و صدق «انقیاد» بر آن باشد، ولی ملاک حکم شرع تأثیرگذاری آن در رشد و بالندگی روحیه «بندگی» در مکلف و فراهم‌سازی شرایط اطاعت در شخص «محتاط» باشد - که این معنا از ظاهر بعضی روایاتی (صدوق، ۱۴۱۳: ۷۵/۴؛ حر عاملی، ۱۴۲۹: ۱۶۱/۲۷، ح ۲۷) که امر به احتیاط کرده است، برداشت می‌شود - دیگر دو حکم جداگانه با اهدافی متمایز هستند که هیچ یک از دیگری بی‌نیاز نمی‌کند و وجود هر دو باعث تکرار و لغویت نیست» (خوئی، ۱۴۳۰: ۳۵۵/۳؛ کاظمی، ۱۳۷۶: ۳۹۹/۳).

### ۵-۲. مناقشه در توجیه اول

هرچند توجیه محقق نائینی صحیح است و راهی برای امر مولوی نفسی به احتیاط باز می‌کند، ولی از طرفی دیگر، گویا قبول اشکال را فرض گرفته است و امر مولوی به احتیاط بر اساس ملاک انقیاد را صحیح نمی‌داند، زیرا پیشتر در ضمن شرح اصطلاحات اشاره شد که آنچه بیشتر محل بحث است «امر مولوی طریقی» می‌باشد (ر.ک: جزائری مروج، ۱۳۸۵: ۱۴۷/۳ و ۱۶۲؛ آملی، ۱۴۰۵: ۴۱۵؛ قانصوه، ۱۴۱۸: ۱۳۲/۳)<sup>۳</sup> نه امر مولوی نفسی که مرحوم نائینی با فرض مصلحتی در عنوان احتیاط، مانند تقویت روحیه بندگی بیان کرده است. بنابراین، گویا ایشان اشکال در امر مولوی طریقی را پذیرفته‌اند و با بر طرف کردن صورت مسأله به اشکال پاسخ داده‌اند.

۱. در قسمت دوم این نوشتار (شماره بعد)، به بررسی سایر توجیه‌ها و کاستی‌های آنها پرداخته می‌شود.

۲. ر.ک: جزائری مروج، ۱۳۸۵: ۱۴۷/۳ و ۱۶۲؛ آملی، ۱۴۰۵: ۴۱۵؛ قانصوه، ۱۴۱۸: ۱۳۲/۳.

۳. ر.ک: قیاض، ۱۴۳۰: ۴۱۷/۹-۴۱۸؛ تبریزی، ۱۳۸۷: ۳۲۵/۴؛ آشتیانی، ۱۴۳۰: ۲۲/۴.

## نتیجه گیری

بر اساس آنچه گذشت، می توان چنین نتیجه گرفت که احتیاط، رویکردی مهم و گسترده در استنباط و تطبیق احکام شرعی می باشد که در برخی موارد واجب است و در دیگر موارد، در حسن عقلی یا عقلانی آن تردیدی وجود ندارد. ولی این ادعا که استصحاب و حُسن شرعی آن نیز نزد اخباریان و اصولیان مسلم انگاشته شده، صحیح نیست چنان که بعضی از اصولیان در آن تردید کرده اند، روایات احتیاط را ارشادی دانسته و حسن شرعی احتیاط را با حسن عقلی آن سازگار ندانسته اند و حداقل سه اشکال «بیهودگی امر مولوی به احتیاط» و «لزوم خلف» و «تسلسل» بر آن وارد کرده اند.

همچنین، با توجه به گوناگونی احتیاط و وجود حداقل دو انگاره از امر مولوی به آن، تردیدها در مورد امر مولوی طریقی به احتیاط - به معنای دوم که همراه با انگیزه الهی است - می باشد و راهکار مرحوم نائینی برای امر مولوی به احتیاط با ملاک متفاوت، نمی تواند اشکالات را توجیه کند و تغییر صورت مسأله به امر مولوی نفسی می باشد.

## کتابنامه

### الف: کتابها

#### قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی ( شیخ صدوق)، **إعتقادات الإمامیه**، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۲. \_\_\_\_\_، **من لایحضره الفقیه**، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۴. اردبیلی، أحمد بن محمد، **مجمع الفائدة و البرهان**، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۵. استرآبادی، محمد امین، **الفوائد المدنیة**، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ۱۴۲۹ق.
۶. اسلامی، رضا، **نظریة حق الطاعة**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۷. اشتهازی، حسین، **تفقیح الأصول**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام خمینی، ۱۴۱۸ق.
۸. اصفهانی، محمد حسین، **نهاية الدراية**، بیروت، مؤسسه آل البيت **علیهم السلام**، ۱۴۲۹ق.
۹. انصاری، مرتضی، **فرائد الأصول**، قم، مجمع الفکر اسلامی، ۱۴۲۸ق.
۱۰. ایروانی، میرزا علی، **الأصول فی علم الأصول**، محمد کاظم رحمان ستایش، قم، مرکز العلوم و الثقافة اسلامیة، ۱۴۲۲ق.

١١. \_\_\_\_\_، **كفاية الأصول مع تعليقات المحقق ابروانی**، مسلم قلی پور الجیلانی، قم، مركز الحوزة العلمیة، ١٣٨٨ش.
١٢. آخوند خراسانی، محمد كاظم، **درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد**، قم، نشر الشفق، ١٣٨٤ش.
١٣. \_\_\_\_\_، **كفاية الأصول**، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٣٠ق.
١٤. آشتیانی، میرزا محمد حسن، **بحر الفوائد فی شرح الفرائد**، السيد محمد حسن الموسوی، قم، ذوی القربی، ١٤٣٠ق.
١٥. آملی، میرزا هاشم، **تقریرات الأصول**، تهران، مؤسسة إنتشارات الفراهانی، ١٤٠٥ق.
١٦. بحرانی، یوسف، **الحداثق الناضره**، قم، مؤسسة النشر اسلامی، ١٤٣٠ق.
١٧. \_\_\_\_\_، **الدرر نجفیة**، بیروت، دار المصطفی لإحياء التراث، ١٤٢٣ق.
١٨. بدری، تحسین، **معجم مفردات أصول الفقه**، تهران، مؤسسة المشرق للثقافة و النشر، ١٤٢٨ق.
١٩. بروجردي، حسین، **جامع أحاديث الشيعة**، قم، انتشارات واصف لاهیجی، ١٤٣٣ق.
٢٠. بروجردي، محمد تقی، **نهاية الافكار**، قم، مؤسسة النشر اسلامی، ١٤٢٢ق.
٢١. بهبهانی، محمد باقر وحید، **الرسائل الأصولیة**، قم، مؤسسة العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ١٤١٦ق.
٢٢. \_\_\_\_\_، **الفوائد حائریة**، قم، مجمع الفكر اسلامی، ١٤١٥ق.
٢٣. بهسودی، محمد سرور واعظ حسینی، **مصباح الأصول**، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام خوئی، ١٤٢٢ق.
٢٤. تبریزی، میرزا جواد، **دروس فی مسائل علم الأصول**، قم، دار الصدیقة الشهيدة، ١٣٨٧ش.
٢٥. تونی، عبدالله بن محمد بشروی خراسانی، **الوافیه فی اصول الفقه**، محمد حسین الرضوی کشمیری، قم، مجمع الفكر اسلامی، ١٤١٥ق.
٢٦. جزائری مروّج، السيد محمد جعفر، **نتائج الأفكار فی الأصول (تقرير أبحاث آية الله السيد محمود حسینی شاهرودي)**، قم، آل مرتضی عليه السلام، ١٣٨٥ش.
٢٧. حائری اصفهانی، محمد حسین، **الفصول الغرویه**، قم، دار إحياء العلوم اسلامیة، ١٤٠٤ق.
٢٨. حائری یزدی، عبدالکریم، **درر الفوائد**، مؤسسة النشر اسلامی، ١٤٣١ق.
٢٩. حائری، سیدکاظم، **مباحث الأصول**، قم، دارالبشیر، ١٤٠٨ق.
٣٠. حر عاملی، محمد بن حسن، **الفوائد الطوسیة**، قم، المطبعة العلمیة، ١٤٠٣ق.
٣١. \_\_\_\_\_، **وسائل الشيعة**، بیروت، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٢٩ق.
٣٢. حسینی میلانی، سید علی، **تحقیق الأصول (تقرير أبحاث آية الله الشيخ حسين الوحيد خراسانی)**، قم، نشر الحقائق، ١٤٢٨ق.
٣٣. حسینی، محمد، **الدلیل الفقهي**، دمشق، مركز ابن الإدریس حلّی للدراسات الفقهية، ١٤٢٧ق.
٣٤. حکیم، سید محسن، **مستمسک العروة الوثقی**، قم، دارالتفسیر، ١٤١٦ق.
٣٥. حکیم، عبدالصاحب، **منتقى الأصول**، قم، مكتبة آية الله سيد محمد حسینی روحانی، ١٤١٣ق.
٣٦. حکیم، محسن، **حقائق الأصول**، قم، المكتبة البصيرتی، ١٤٠٨ق.
٣٧. حکیم، محمد تقی، **الأصول العامة فی الفقه المقارن**، قم، المجمع العالمی لأهل البيت عليه السلام، ١٤١٨ق.
٣٨. حکیم، محمد سعید، **الكافي فی أصول الفقه**، بیروت، دارالهلal، ١٤٢٨ق.
٣٩. \_\_\_\_\_، **المحكم فی أصول الفقه**، قم، مؤسسة المنار، ١٤١٤ق.
٤٠. حلّی، حسین، **أصول الفقه و الأصول المختصر**، قم، مكتبة الفقه و الأصول المختصر، ١٤٣٢ق.
٤١. حیدری، السيد کمال، **شرح الحلقة الثالثة**، بیروت، مؤسسة الهدی، ١٤٣٤ق.

٤٢. خمینی، روح الله، الرسائل، قم، مؤسسه مطبوعاتی إسماعیلیان، ١٤١٠ق.
٤٣. خمینی، روح الله، أنوار الهدایه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام خمینی، ١٤١٥ق.
٤٤. —، لمحات الاصول (تقرير أبحاث آية الله السيد حسين بروجردي)، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام خمینی، ١٤٢١ق.
٤٥. خمینی، مصطفی، تحریرات فی الأصول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام خمینی، ١٤١٨ق.
٤٦. خوئی، سید أبو القاسم، أجدود التقریرات، قم، مؤسسه صاحب الأمر عجل الله فرجه الشريف، ١٤٣٠ق.
٤٧. دائرة المعارف فقه اسلامی. موسوعة الفقه اسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (عليهم السلام)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ١٤٢٨ق.
٤٨. ربانی، سید محمد علی، الإجتهد والتقليد والإحتیاط، (تقرير أبحاث السيد علی حسینی السیستانی)، الموقع الإیترنتی taghrirat. net، ١٤٣٥ق.
٤٩. رشتی، حبیب الله، بدائع الأفكار، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ١٣١٣ق.
٥٠. روزدری، مولی علی، تقریرات آية الله المجدد شیرازی، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ١٤٠٩ق.
٥١. سبحانی، جعفر، المحصول فی علم الأصول، قم، مؤسسه الإمام الصادق (عليه السلام)، ١٤١٤ق.
٥٢. —، الوسيط فی أصول الفقه، قم، مؤسسه الإمام الصادق (عليه السلام)، ١٤٣٧ق.
٥٣. —، تهذیب الأصول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام خمینی، ١٣٨٢ش.
٥٤. سبزواری، میرزا حسن، وسیلة الوصول، تقریرات اصفهانی، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ١٤٣١ق.
٥٥. سیفی مازندرانی، علی اکبر، بدائع البحوث فی علم الأصول، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ١٤٢٩ق.
٥٦. شهرستانی، محمد حسین، غایة المسؤل فی علم الأصول، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ١٣٠٨ق.
٥٧. شیرازی، سید مرتضی، الأوامر المولیة والإرشادیه، بیروت، دار العلوم، ١٤٣١ق.
٥٨. صدر، محمد باقر، الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب أهل البيت (عليهم السلام)، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، طبع هشتم، ١٤٠٣ق.
٥٩. —، دروس فی علم الأصول، بیروت، دار المنتظر، ١٤٠٥ق.
٦٠. صنقر، محمد، المعجم الأصولی، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی، ١٤٢٩ق.
٦١. طباطبائی قمی، تقی، آراؤنا فی أصول الفقه، قم، محلاتی، ١٣٧١ق.
٦٢. طباطبائی زدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (محمشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٩ق.
٦٣. طباطبائی، سید محمد حسین (١٣٦٠ش)، بداية الحکمه، عباس علی الزارعی السبزواری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ١٤٢٢ق.
٦٤. طباطبائی، محمد مجاهد، مفاتیح الأصول، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ١٢٩٦ق.
٦٥. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، تمهید القواعد الأصولیة و العربیة لتفریع قواعد الاحکام الشرعیة، عباس تبریزیان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ١٤١٦ق.
٦٦. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، نجف، مكتبة المفید، ١٤٠٠ق.
٦٧. عبد الساتر، حسن، بحوث فی علم الأصول، بیروت، الدار اسلامیه، ١٤١٧ق.
٦٨. عراقی، ضیاء الدین، مقالات الأصول، قم، مجمع الفکر اسلامی، ١٤٣٠ق.
٦٩. عرفانیان، غلامرضا، الرأی السدید فی الإجتهد والتقليد والإحتیاط والقضاء، قم، المطبعة العلمیة، ١٤١١ق.

۷۰. عسکری، حسن بن عبدالله، **معجم الفروق اللغویه**، قم، مؤسسة النشر اسلامی، ۱۴۳۳ق.
۷۱. علم الهدی، سید المرتضی علی بن حسین، **الذریعة إلى أصول الشریعة**، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
۷۲. فخر المحققین، محمد بن الحسن، **ایضاح الفوائد**، طهران، مؤسسه کوشانپور، ۱۳۸۸ش.
۷۳. فشارکی، محمد باقر، **الرسائل الفشارکیه**، قم، مؤسسة النشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۷۴. فضلی، عبد الهادی، **هكذا قرأتهم**، بیروت، دار المرتضی، ۱۴۲۴ق.
۷۵. قیاض، محمد إسحاق، **المباحث الأصولیة**، قم، دار الهدی، ۱۴۳۰ق.
۷۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **القاموس المحیط**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۷۷. فیومی، أحمد بن محمد المقرئ، **المصباح المنیر**، قم، مؤسسة الهجرة، ۱۴۰۵ق.
۷۸. قانصوه، محمود، **المقدمات والتنبیهاة فی شرح أصول الفقه**، بیروت، دار المؤرخ العربی، ۱۴۱۸ق.
۷۹. قمی، میرزا ابوالقاسم، **القوانین المحکمة فی الاصول المتقنه**، رضا حسین صبح، قم، مؤسسة السيدة المعصومة، ۱۴۳۰هـ ق.
۸۰. کاشف الغطاء، جعفر، **کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء**، قم، مکتب الإعلام اسلامی، ۱۴۲۲ق.
۸۱. کاظمی، محمد علی، **فوائد الأصول**، قم، مؤسسة النشر اسلامی، ۱۳۷۶ق.
۸۲. کرباسی، محمد إبراهیم، **منهاج الأصول**، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۱ق.
۸۳. کرکی، علی بن الحسین، **رسائل المحقق الکرکی**، قم، مکتبة المرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۸۴. لاری شیرازی، عبدالحسین، **التعلیقة علی فرائد الأصول**، قم، اللجنة العلمية للمؤتمر، ۱۴۱۸ق.
۸۵. مبلغی، أحمد، **موسوعة أصول الفقه المقارن**، مجمع المحققین، تهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب اسلامیة، ۱۴۳۰ق.
۸۶. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسة إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸۷. محقق حلّی، جعفر بن الحسن (محقق حلّی)، **المعتبر فی شرح المختصر**، محمد علی حیدری، قم، مؤسسة سید الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۷ق.
۸۸. \_\_\_\_\_، **شرايع الإسلام**، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۹ق.
۸۹. \_\_\_\_\_، **معارج الأصول**، محمد حسین رضوی، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۳ق.
۹۰. معلوف، لويس، **المنجد فی اللغة**، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۸۸ش.
۹۱. مکارم، ناصر شیرازی، **أنوار الأصول**، قم، نشر مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
۹۲. مؤمن، محمد مهدی، **شرح بداية الحكمه**، قم، مطبعة ستارة، ۱۴۲۰ق.
۹۳. نجفی، محمد حسن، **جواهر الكلام**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۹۴. نراقی، أحمد، **عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام ومهمات مسائل الحلال وحرام**، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات اسلامیة، ۱۳۷۵ق.
۹۵. \_\_\_\_\_، **مناهج الأحكام و الأصول**، طهران، الطبعة الحجرية، ۱۲۹۶ق.
۹۶. نراقی، محمد مهدی، **جامعة الأصول**، قم، المجمع العالمي للتراثیین، ۱۴۲۲ق.
۹۷. نوری طهرانی، میرزا ابوالقاسم، **مطرح الانظار**، تهران، معهد الإمام خمینی، ۱۴۲۸ق.
۹۸. نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، بیروت، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۹ق.
۹۹. هاشمی شاهرودی، سید علی، **دراسات فی علم الأصول**، قم، مؤسسة دائرة معارف الفقه، ۱۴۲۶ق.

۱۰۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، **أضواء و آراء**، قم، مؤسسة الفقه و معارف أهل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۳ق.
۱۰۱. —، **بحوث في علم الأصول**، قم، مؤسسة دائرة معارف الفقه اسلامی، ۱۴۳۱ق.
۱۰۲. —، **فرهنگ فقه مطابق مذهب أهل البيت علیهم السلام**، قم، مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۱۰۳. یزدی نجفی، محمد ابراهیم، **حاشیه فرائد الأصول (تقریراً لأبحاث السيد محمد کاظم طباطبائی الیزدی)**، قم، دارالهدی، ۱۴۲۷ق.

## ب: مقالات

۱۰۳. أسدی، حسن، «**قاعدة احتیاط از دیدگاه فقها و اصولیین مذاهب پنجگانه اسلامی**»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، پیش دوره، شماره اول، ۱۳۸۳ش.
۱۰۴. انصاری، حسن، ۳۸۷، «**نزاع اخباری اصولی و پیشینه آن**» <http://ansari.kateban.com>
۱۰۵. بهمن پوری، عبدالله، «**بررسی علل اختلاف آرای فقها در رویکر به اخبار**»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم، شماره ۸۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ش.
۱۰۶. حاجی زاده، محسن، «**نظریه اعتبار خبر واحد در دماء در ترازوی نقد**»، عابدین مؤمنی، کاوشی نو در فقه، سال ۲۲، شماره ۸۳، ۱۳۹۴ش.
۱۰۷. حسینی، سید احمد، (ب) «**إحتیاطهای روا و ناروا، معیارها و ضوابط ۲**»، کاوشی نو در فقه اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، ۱۳۸۲ش.
۱۰۸. حسینی، سید احمد، (ج) «**إحتیاطهای روا و ناروا، نمونه‌ها و پیامدها**»، کاوشی نو در فقه اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۷-۳۸، ۱۳۸۲ش.
۱۰۹. حسینی، سید احمد، (ف) «**إحتیاطهای روا و ناروا، معیارها و ضوابط ۱**»، کاوشی نو در فقه اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۵، ۱۳۸۲ش.
۱۱۰. رحمانی سبزواری، علی، «**إجتهد و تقلید**»، پژوهش‌های فقهی، سال ششم، شماره اول، ۱۳۸۹ش.
۱۱۱. سلیمانپور، محمد جواد، «**علل اختلاف مبانی و فتاوی مجتهدان**»، مقالات و بررسیها، دفتر ۷۵، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۳ش.
۱۱۲. سیدشیرازی، سیدمحمدجواد، «**امکان الحسن الشرعی للاحتیاط فی العبادات**»، مصباح الفقاهه، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۶ش.
۱۱۳. شاکری، بلال، «**بازخوانی اصل احتیاط در فروع**»، جستارهای فقهی و اصولی، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۹۵ش.
۱۱۴. موسوی خوئی، السید هاشم، «**مسألة الأوامر و النواهی الإرشادية**»، پژوهش‌های اصولی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۹۱ش.
۱۱۵. مهرورزیان، طاهره، «**علل تفاوت تفاسیر فقها و اندیشمندان مسلمان درباره حقوق زنان از متون ثابت دینی**»، پژوهش نامه زنان، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴ش.
۱۱۶. نادری، رسول، «**بررسی عنصر احتیاط در فقه دوره‌های پیش و پس از اندیشه اخباری**»، کاوشی نو در فقه اسلامی، سال بیستم، شماره دوم، ۱۳۹۲ش.
۱۱۷. نوو آگلیر، املی زهرا، «**أصل إحتیاط به مثابه نشانه‌ای از ذهنیت و نیازهای انسان پست مدرن**»، مجله شناخت، دوره دوم، شماره دوم، ۱۳۸۸ش.